



درباره دو ترکیب اوستایی $upā.θβaiieiti$ و $aəm.mərəncō$ در ویشناسپ یشت^۱

مهشید میرفخرایی^۲، سمیرا زهدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۳۰

چکیده

متن اوستایی ویشناسپ یشت، بخشی از اوستای متأخر و مشتمل بر هشت فرگرد و شصت و پنج بند است. از این متن برگردان پهلوی، زند، هم در دست است. در این یشت، زردشت با خطاب «ای پسر» چکیده‌هایی از اصول دین را به همان شیوه‌ای که اهوره‌مزدا در فرگرد نوزدهم و نندیداد برای زردشت بیان می‌کند، به ویشناسپ می‌آموزد. ویشناسپ یشت، احتمالاً، متعلق به نسک دوم از بیست و یک نسک اوستای ساسانی به نام «ویشناسپ ساست» بوده است. متن اوستایی متأخر و پر از ابهام است. حالت‌های صرفی واژه‌ها، اغلب نادرست و گاه از میان رفته است. بخش‌هایی از متن وام گرفته از قسمت‌های دیگر اوستا به ویژه وندیداد است. در این پژوهش، دو ترکیب اوستایی $upā.θβaiieiti$ و $aəm.mərəncō$ از این یشت تجزیه و تحلیل می‌شوند و خوانش و معانی تازه‌ای برای آن‌ها پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اوستا، زند، ویشناسپ یشت، ویشناسپ، زردشت

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2021.36778.2057

^۲ استاد فرهنگ و زبان‌های باستان، هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران؛

mahshidmirmfakhraie@ihcs.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، گروه فرهنگ و زبان‌های باستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ samirazohdi@ihcs.ac.ir

۱. مقدمه

ویشتاسپ‌یشت بخشی از اوستای متأخر، مشتمل بر هشت فرگرد و شصت و پنج بند است. متن اوستایی ویشناسپ‌یشت متأخر است. در بسیاری از واژه‌ها، حالت‌های صرفی به جای هم به کار رفته و در برخی موارد تصریف از میان رفته‌است. زبان متن و ویژگی‌های صرفی آن تا اندازهٔ بسیاری ناشناخته‌است. شاید بتوان گفت که متن، ساختار زبانی نزدیک به فارسی میانه دارد. برخی از دانشمندان مانند دارمستتر (Darmesteter, 1962, p. 325) و هوگ (Haug, 1884, p. 224) تمام متن را وام‌گرفته از وندیداد و بخش‌های دیگر اوستا دانسته و تمرکز چندانی بر آن نکرده‌اند. ولی برخی دیگر مانند موله (Molé, 1963, p. 350)، آن را از نظر زبانی قابل بررسی می‌دانند. بررسی متن اوستایی ویشناسپ‌یشت و زند آن از یک سو ویژگی‌های زبانی این دو متن و سیر و چگونگی دگرگونی‌های زبانی را در گذار از دورهٔ باستان به میانه می‌نمایاند و از سوی دیگر، گوشه‌هایی از پندارها، اسطوره‌ها و ویژگی‌های دین ایران باستان را آشکار می‌سازد. از آن جایی که متن در بردارندهٔ اندرزهایی از زبان زردشت خطاب به ویشناسپ نیز است، بررسی متن در زمینهٔ شناخت و بررسی اندرزها که بخش قابل توجهی از ادبیات فارسی میانه را به خود اختصاص داده و بخش مهمی از آن‌ها به متون دورهٔ اسلامی نیز راه یافته‌اند، مفید خواهد بود.

دارمستتر (Darmesteter, 1962) متن اوستایی را به انگلیسی و موله (Molé, 1963; Molé, 2016) زند آن را به فرانسه ترجمه کرده‌اند.^۱ واژه‌ها و پاره‌گفته‌های چندی در متن اوستایی مبهم و ناشناخته است. در این مقاله، کوشیده شده‌است برای دو ترکیب مبهم، خوانشی نو و در نتیجه ترجمه‌ای بهتر ارائه شود. این دو ترکیب عبارتند از */a • əm.mərəncō/* و */upā. θ β aiieiti/*. بازخوانی‌ها و تصحیح‌های انجام گرفته با مقایسهٔ صورت‌های به کاررفته در دست‌نویس‌های موجود از ویشناسپ‌یشت، واکاوی برگردان زند واژگان و پاره‌گفته‌ها در روایت پهلوی متن، بررسی شواهد و نمونه‌ها و همچنین یافتن سرخ‌هایی از بخش‌هایی دیگر اوستا انجام شده‌است. تا جایی که متن اجازه داده‌است، از نظر معنی و اشتقاق، ژرف‌کاوی کرده‌ایم و خوانش‌های نو دربارهٔ واژه‌ها و عبارات مبهم را پیش نهاده‌ایم.

برای هر واژه یا پاره‌گفته، نخست ضبط و سترگارد از بندی که آن واژه یا عبارت در آن به کار رفته ارائه می‌شود. در ادامه، برگردان فارسی آن بند بر اساس ترجمهٔ دارمستتر (Darmesteter, 1962) یا توضیحات بارتمله (Bartholomae, 1904) خواهد آمد. در موارد نیاز، برگردان زند واژگان، پاره‌گفته‌ها و بندهای اوستایی ارائه شده‌است.

^۱ این اثر به فارسی ترجمه شده‌است (← کتاب‌نامه)

۲. /a • əm.mərəŋcō/

در بند دوم ویشتاسپ یشت آمده‌است:

1. a) «a • auua ya θ a zara θ uštrō paouru.gāuūō ya θ a ā θ β iianōiš
paouru.aspō ya θ a paourušaspah a • əm.mərəŋcō ya θ a kauua husrauua
raŋhām dūraē.pāraŋm amauu • ya θ a vifrō nauuāzō».

ب) «پرهیزکار چون زردشت، پُرگاو (= دارنده گاووان بسیار) چون از خاندان آثویه، پُراسب (= دارنده اسبان بسیار) چون از خاندان پوروشسپ، /a • əm.mərəŋcō/ چون کی خسرو در بار دورکنار آرننگ، توانا چون کشتی‌ران ماهر».

وسترگارد (Westergaard, 1852-1854) این ترکیب را /a • əm.mərəŋcō/ ضبط کرده و بارتلمه (Bartholomae, 1904, p. 258) آن را نهادی مفرد از /a • əm.mərəŋk-/ و «نابودکننده راستی» معنی کرده و با توجه به بافت جمله آن را پرسش‌برانگیز می‌داند. تردید بارتلمه (Bartholomae, 1904) کاملاً به‌جا است؛ چنین معنی‌ای برای این واژه که کی خسرو به عنوان نماد آن معرفی شده‌است، بعید و دور از ذهن می‌نماید.

دارمستتر (Darmesteter, 1962, p. 328) ضبط /a • əm.mərəjō/ سه دست‌نویس «F12»، «G18a» و «یزد» را اساس کار خود قرار داده و آن را برابر با /a • əm.mərəzō/، حالت نهادی مفرد از /a • əm.mərəza-/ و «هم‌مرز با اشه»، «دارای مرز با اشه» معنا کرده و عنوانی برای کی خسرو دانسته‌است. احتمالاً دارمستتر (Darmesteter, 1962) با درست دانستن ضبط سه دست‌نویس یادشده به صورت /a • əm.mərəjō/، آن را برابر با /a • əm.mərəzō/ — حالت نهادی مفرد از /a • əm.mərəza-/ به معنی «هم‌مرز با اشه، دارای مرز با اشه» — و لقبی برای کی خسرو در نظر گرفته‌است. در تعبیر مورد نظر دارمستتر /a • əm/ نیز حالت رایبی مفرد از اسم خنثی /a • a-/ «آشه، راستی» را دارد. پیدا نیست «بی‌مرگی» ای که دارمستتر معنی وصفی آن یعنی «بی‌مرگ» را مفهوم اصلی این ترکیب اوستایی دانسته‌است چه ارتباطی می‌تواند با «آشه» و هم‌مرز بودن با آن داشته باشد؟

ضبط وسترگارد (Westergaard, 1852-1854) می‌تواند شکل تصحیف‌شده /aš.mərəŋcō/ باشد. جزء اول ترکیب، /aš/ قید و به معنی «بسیار» در ترکیب‌های اوستایی بسیاری به کار رفته‌است (Bartholomae, 1904, p. 264). بخش دوم، /mərəŋcō/ در حالت نهادی مفرد از /-c-/ /mərəŋk/ ماده مضارع از /-mark-/ /marək/ به معنی «نابودکردن»، «از میان‌بردن» است و به این ترتیب معنی ترکیب «بسیار نابودکننده» صفتی برای کی خسرو است. بنا بر روایت پهلوی و مینوی خرد، از کارهای مهم کی خسرو نابودکردن بتکده در بار دریاچه چیچست

است.

روایت پهلوی (Mirfakhrayi, 1988, p. 60):

۲. «و سوشیانس گوید که: تو همان کی خسرو هستی که با هوش دوریاب، با دانایی، دریافتی زمانی که بتکده را در دریای چیچست بکندی؟ کی خسرو گوید که من همان کی خسرو هستم».
مینوی خرد (Tafazzoli, 1975, p. 45):

۳. «و از کی خسرو این سودها بود چون کشتن افراسیاب و کندن بتکدهٔ (ساحل) چیچست و پابرجا ساختن کنگدز».

مارکوآرت (Marquart, 2020, p. 42-47) ارننگ را با جیحون یا آمودریای کنونی که پرآب‌ترین رودخانهٔ آسیای میانه است، منطبق می‌داند. بعدها که ایران مستملکات شرقی خود را از دست داد، نام بسیاری از مکان‌ها با مناطق غربی تطبیق داده شد. به این ترتیب، این احتمال وجود دارد که ویران کردن بتکده و برپا ساختن آتشکده در جای آن نیز در ساحل رود ارننگ روی داده و سپس، از طریق افسانه و اسطوره به ساحل چیچست منتقل شده باشد.

در این تصحیح، نکته‌های زیر مورد نظر بوده‌است:

یکم- /a • əm/ اشه / راستی کاربرد بسیار بیشتری از قید /aš/ به معنی «بسیار» دارد.

دوم- خطای رونویسگر که گواه زیاد دارد.

سوم- دوباره‌نویسی /m/ در /a • əm/ در آغاز سطر پسین

چهارم- در این بند از ویژگی‌های مثبت شخصیت‌ها سخن می‌رود و صفت «نابودکنندهٔ راستی» برای کی خسرو بعید به نظر می‌رسد.

به این ترتیب، می‌توان این بند را به صورت زیر تصحیح و ترجمه کرد:

4. a) «a • auua ya θ a zara θ uštrō paouru.gāuuō ya θ a ā θ β iiānōiš
paouru.aspō ya θ a paourušaspah aš.mərəncō ya θ a kauua husrauua ranḥam
dūraē.pāraḥ amauu • ya θ a vifrō nauuāzō».

ب) «پرهیزکار چون زردشت، پُرگاو (= دارنده گاوان بسیار) چون <فریدون>^۱ از خاندان ائویه، پُراسپ (= دارنده اسبان فراوان) چون پوروشسپ، ویران‌کننده <بتکده> در دوربار (= ساحل) ارننگ چون کی خسرو، توانا چون <پائوروه>^۱ کشتی‌ران ماهر».

^۱ این دو نام با توجه به آبان‌یشت (بندهای ۶۱-۶۵) افزوده شد. پائوروه کشتی‌ران ماهر است که فریدون او را به پیکر کرکس در می‌آورد تا از مرگ رهایی بخشد. اناهیتا، ایزدبانوی آب‌ها، به او کمک می‌کند تا سالم به زمین فرود آید و زردشت دعا می‌کند تا ویشتاسپ مانند پائوروه در آن سوی ارننگ، سالم، به زمین برسد.

۳. /upā. θ β aiieiti/

در بند ۲۷ ویشتاسپ یشت آمده است:

5. a) «pa θ ąm zruuō.dātanąm upā. θ β aiieiti yasca druua'te yasca a • aone
bao δ əm auua θ a fratərəsənti ya θ a maē • i vəhrkauuaiti vėhrka • haca
fratərəsaiti».

ب) «چه <روان> گناهکار، چه پرهیزکار از راه‌های زروان‌داده /upā. θ β aiieiti/ روان‌های
<دروندان> از بوی <پرهیزکاران> چنان می‌ترسند که میش گرفتار گرگ از گرگ می‌ترسد».
تمام دست‌نویس‌های ویشتاسپ یشت صورت /upā. θ β aiieiti/ را ضبط کرده‌اند. بارلمه
(Bartholomae, 1904, p. 794) آن را فعل از پیشوند /upā/ و ریشه فعلی /-θ β ay/ «ترسیدن» گرفته، ولی این معنی را در این بند مناسب نمی‌داند. زیرا کاملاً پیدا است که روان
پرهیزکار برای گذر از راه زروان‌داده ظاهراً نباید دچار ترس و هراس شود. بنابراین
/upā. θ β aiieiti/ از نظر معنایی در این جایگاه مناسب نخواهد بود.

این مفهوم از بخش بند ۲۷ ویشتاسپ یشت را در بند ۲۹ و نندیداد ۱۹ مشاهده می‌کنیم؛ با این
تفاوت که در آن به جای /upā. θ β aiieiti/، فعل /jasaiti/ «می‌رسد» ضبط شده است
(Hoshang Jamasp, 1907, p. 629):

6. a) «pa θ ąm zruuō.dātanąm jasaiti yasca druuaite yasca ašaone cinuua •
pəretūm mazda δ ātąm».

ب) «چه <روان> گناهکار چه پرهیزکار از راه‌های زروان‌داده به پل چنود مزداداده می‌رسد».
در زند بند ۲۷ گرچه معادل فعل مورد بحث /be tarsēd/ «بترسد» آمده ولی در گزارش آن
/abar rasēd/ «برسد» افزوده شده است؛ فعل اخیر ما را به /jasaiti/ «می‌رسد» و نندیداد رهنمون
می‌شود. برگردان زند این بخش از بند ۲۷ ویشتاسپ یشت چنین است:
rāh ī zurwān-dād [abar rasēd] be tarsēd kē-z druwand kē-z ahlaw ruwān ».

7. a) «bawē

ب) «چه روان دروند و یا روان پرهیزگار باشد، بر راه زروان‌داده [می‌رسد] و می‌ترسد».

از سویی دیگر، در بند ۲۶ ویشتاسپ یشت آتش ستوده می‌شود:

9. a) «taxməm həntəm ra θ aēštārəm yazom pu θ rəm ahurahe θ β ā paiti
ātarō».

ب) «تورا، ای آتش، پسر اهوره‌مزدا، هستندهٔ تهم و مبارز را می‌ستایم».
در مورد جایگاه و خویش‌کاری آتش یا ایزد آذر بر پایهٔ متونی چون مینوی خرد، بندهشن،

ارد/ویراف نامه و هادخت نسک در می یابیم که ایزد آذر به همراه سروش اهلو روان فرد در گذشته را بر سر چینودپل به پذیره می آید، و او را در مسیر بهشت همراهی می کند.

به این ترتیب، این احتمال وجود دارد که املائی $upā.\theta\beta aiiēiti$ که وسترگارد و همهٔ دست نویس های اوستایی دیگر در ضبط آن هم داستاند، را ناشی از خطای رونویسگر دانست و آن را به $upā.\theta\beta ā aiiēiti$ تصحیح کرد و $\theta\beta ā$ / که بین پیشوند و فعل فاصله انداخته را ضمیر دوم شخص مفرد در حالت بایی و مرجع آن را آتش در بند پیشین (۲۶) دانست. $Upā$ / پیشوند فعل $aiiēiti$ است و این دو هر گاه با هم به کار روند، معنایی نزدیک به و بلکه مترادف با $jasaiti$ / می سازند (Bartholomae, 1904, p. 150). این فعل از ریشهٔ $ay-$ / «رسیدن» و مضارع اخباری سوم شخص مفرد گذرا است.

در بند ۲۶ ویشتاسپ یشت سخن با آتش است و آتش در این بند ستوده می شود؛ در بند ۲۷ نیز آتش با ضمیر دوم شخص مفرد $\theta\beta ā$ / (حالت بایی مفرد) دیگر بار مورد خطاب قرار می گیرد تا به عنوان همراهی کنندهٔ روان در گذشته، او را به یکی از دو راه زروان داده یعنی راه گرودمان برای روان آشون و راه دوزخ برای روان فرد دروند برساند.

بر این اساس، بند ۲۷ ویشتاسپ یشت اوستایی و برگردان فارسی آن پس از تصحیح این گونه

خواهد بود:

«چه \langle روان \rangle گناهکار، چه پرهیزکار با تو (= آتش) از راه های زروان داده می رسد. \langle روان گناهکاران \rangle از بوی \langle روان پرهیزکاران \rangle چنان می ترسد که میش گرفتار گرگ، از گرگ می ترسد».

۴. نتیجه گیری

ویشتاسپ یشت متنی متأخر، پر از ابهام و از نظر دستوری نابسامان است. در این پژوهش خوانش و معنی تازه ای برای دو ترکیب $a\cdot aəm.mərəṇcō$ / و $upā.\theta\beta aiiēiti$ / پیشنهاد شده است. مبنای تصحیح نخست، اشاره به کار سودمندی است که در دو متن پهلوی مینوی خرد و روایت پهلوی به کی خسرو نسبت داده شده و دومین تصحیح بر اساس فعلی در وندیداد ۲۹/۱۹، نیز تفسیر زند فعل ویشتاسپ یشت $abar rasēd$ / است.

فهرست منابع

- تفضلی، احمد (گزارنده) (۱۳۵۴). *مینوی خرد*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مارکوآرت، ژوزف (۱۳۹۹). *وهروود و ارننگ*. ترجمه داوود منشی زاده. تهران: سخن.
- مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۹). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*. ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مولایی، چنگیز (گزارنده) (۱۳۹۲). *آبان یشت، سرود اوستایی در ستایش اردوی سوراناهید*. تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- موله، ماریان (۱۳۹۵). *آیین، اسطوره و کیهان شناسی در ایران باستان*. ترجمه محمد میرزایی. تهران: نگاه معاصر.
- میرفخرایی، مهشید (گزارنده) (۱۳۶۷). *روایت پهلوی*. تهران.

References

- Bartholomae. J. (1904). *Altiranisches Wörterbuch*: Strassburg.
- Darmesteter. J. (1962). *Le Zend Avesta*. Leroux: Paris.
- Dhabhar. B. N. (1927). *Zand-i Khürtak Avestāk*: Bombay.
- Dhabhar. B. N. (1963). *Translation of Zand-i Khürtak Avestāk*. Dhabhar: Bombay.
- Hoshang Jamasp. (1907). *Vendidad*. 2 Vols: Bombay.
- Haug. M. (1884). *Essays on The Sacred Language, Writings and Religions of the Parsis*: London.
- Mackenzie. D. N. (2000). *A Concise Pahlavi Dictionary*. Tehran: Institute for Humanities and Historical Studies [In Persian].
- Marquart. J. (2020). *Vehrud ud Arang*. Tehran: Sokhan [In Persian].
- Mirfakhrai. M. (1988). *Pahlvi Rivāyat*. Tehran [In Persian].
- Molayi. Ch. (2013). *Ābān Yasht, An Avestan Hymn To Ardvi-sur Anāhid*. Tehran: Encyclopaedia Islamica [In Persian].
- Molé. M. (1963). *Culte, Myth et Cosmologie dans l'Iran Ancien*: Paris.
- Molé. M. (2016). *Religion, Myth and Cosmology in Ancient Iran*. Tehran: Nigāh-e Moaser [In Persian].
- Tafazzoli. A. (1975). *Mēnōg ī xrad*. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran [In Persian].
- Westergaard. N. L. (1852-1854). *Zendavesta, or the Religious Books of the Zoroastrians*: Copenhagen.

